



The responsibility of the security and law enforcement forces in the protests

Mojtaba Akbari¹, Goodarz Eftekhari Jahromi^{2*}, Ghasem Mohammadi³

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor Department of Islamic Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 465-483

Article history:

Received: 29 Sep 2021

Edition: 1 Nov 2021

Accepted: 15 Feb 2022

Published online: 19 Mar 2022

Keywords:

Criminal Responsibility, Civil Liability, Security and Law Enforcement Forces, Protests

Corresponding Author:

Goodarz Eftekhari Jahromi

Address:

Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-7801-4483

Tel:

09121112593

Email:

g.ejahromi@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In the face of the protests, the security and law enforcement forces have duties and powers that will ultimately lead to the establishment of peace in the society. They also have responsibilities. The purpose of this paper is to investigate the responsibility of the security and law enforcement forces in the protests.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and the library method uses.

Ethical considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: Security and law enforcement forces have criminal and civil responsibilities in the protests. According to the existing laws, if the security and law enforcement forces act against the victims outside the specified conditions, and in cases such as shooting cause bodily harm or murder, They are criminally liable. In addition, any damage inflicted on the victims by the security and law enforcement forces outside the defined norms and duties, causes civil liability and guarantee, as well as the relevant organizations and institutions. fault is the basis for determining the cause of damage in civil liability In this regard, it is necessary the three pillars, the existence of damage, harmful action by security and law enforcement forces and the causal relationship between harmful and harmful action of security and law enforcement forces, establishing.

Conclusion: In accordance with the general criminal standards and the payment of diyat, and in civil cases, compensation in the form of compensation can be paid. Cases such as the rule of law, the rule of law, warnings, coercion and reluctance and urgency the criminal and civil liability of the security and law enforcement forces in the face of protests, removing.

Cite this article as:

Akbari M, Eftekhari Jahromi G, Mohammadi Gh. The responsibility of the security and law enforcement forces in the protests. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

مسئولیت ناشی از عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات

مجتبی اکبری^۱، گودرز افتخار جهرمی^۲، قاسم محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با اعتراضات داری وظایف و اختیاراتی است که در نهایت منجر به برقراری آرامش در جامعه شود. آنها در عین حال دارای مسئولیت نیز هستند. هدف مقاله حاضر بررسی مسئولیت عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات، دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند. مطابق قوانین موجود، چنانچه نیروهای امنیتی و انتظامی خارج از شرایط تعیین شده، علیه متعرضان اقدام نمایند و در مواردی چون تیراندازی موجب آسیب بدنی یا قتل آنها شوند، دارای مسئولیت کیفری هستند. علاوه بر این، هرگونه خسارت وارد شده به متعرضان از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی خارج از موازین و وظایف تعریف شده، موجب مسئولیت مدنی و ضمان است در این زمینه، تقصیر مبنای تعیین عامل زیان در مسئولیت مدنی بوده و لازم است ارکان سه‌گانه مسئولیت مدنی شامل وجود ضرر، فعل زیانبار از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی و رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار نیروهای امنیتی و انتظامی محرز شود.

نتیجه: در صورت اثبات مسئولیت، در موارد کیفری مطابق موازین عام کیفری و پرداخت دیه و در موارد مدنی، جبران خسارت به صورت پرداخت غرامت امکان‌پذیر است. مواردی چون حکم قانون، امر قانونی، هشدار، اجبار و اکراه و اضطرار رافع مسئولیت کیفری و مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با اعتراضات است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۸۳-۴۶۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

واژگان کلیدی:

مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، نیروهای امنیتی انتظامی، اعتراضات.

نویسنده مسوول:

گودرز افتخار جهرمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۹۱۲۱۱۲۵۹۳

کد ارکید:

0000-0002-7801-4483

پست الکترونیک:

g.ejahromi@yahoo.com

۱. مقدمه

انتقاد و اعتراض به عنوان یک حق در اسناد مختلف حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته شده است. اعتراضات عموماً با کسب مجوز از مراجع ذیصلاح مانند وزارت کشور برگزار می‌شود. اما اعتراضات همیشه مسالمت‌آمیز و یا قانونی نیست. در همین حال نیروهای امنیتی و انتظامی، به نیابت از دولت و بر طبق قانون و در حدود وظایف و اختیارات محوله قانونی، به اعمال و اجرای قانون می‌پردازند. بنابراین مأموریت نیروهای امنیتی و انتظامی در جامعه، اجرای قوانین است و هدف از اجرای قانون، برقراری نظم و امنیت در جامعه و حفظ آن به طور دائم است. از این رو نیروهای امنیتی و انتظامی برای برقراری و حفظ نظم و امنیت دارای اختیارات ویژه‌ای مانند تجهیز به سلاح گرم و اجازه استفاده از آن و اختیار استفاده از قوای قهریه در موارد لزوم است. در بسیاری از مواقع سرعت عمل این نیروها موجب کاهش دقت آن‌ها گشته که این امر موجب ایجاد مسئولیت می‌شود. در بسیاری از وضعیت‌ها و شرایط، نیروهای امنیتی و انتظامی ناچارند به صورت لحظه‌ای، تصمیم بگیرند که کی و چگونه از سلاحی که در اختیار دارند استفاده کنند و اخذ تصمیم لحظه‌ای که درست باشد با توجه به میزان استرس‌های حاکم بر مأمور امنیتی و انتظامی در زمان استفاده از سلاح و نوع آموزش‌های ارائه شده به وی، کاری بسیار دشوار و سخت می‌باشد و نمی‌توان از یک مأمور جوان با تجربه اندک و آموزش‌های متوسط و یا حتی ضعیف این انتظار را

داشت که تصمیم درست را در آن لحظه حساس اتخاذ کند؛ به خصوص در جو و فضای اعتراضات که کنترل همه عوامل گاه غیرممکن است. اما هر اقدام از جمله تیراندازی که توسط مأموران امنیتی و انتظامی صورت پذیرد بسته به شرایط مختلف، تبعات و مسئولیت‌های خاصی برای وی به دنبال دارد. تاکنون تألیفات متعددی در زمینه مسئولیت پلیس انجام شده است: بختیار عباسلو، در مقاله‌ای به بررسی مسئولیت مدنی پلیس پرداخته است. نتایج مقاله مذکور بر این امر دلالت دارد که پلیس چنانچه خارج از ظوایف تعریف شده باعث وارد شدن خسارت شود مسئولیت دارد (عباسلو، ۱۳۸۶). پرویز اکبری و اصغر عربیان نیز در مقاله‌ای، اثر هشدار در رفع مسئولیت پلیس را بررسی کرده‌اند. یافته‌های مقاله مورد اشاره بر این امر دلالت دارد که هشدار تحت شرایط رفع مسئولیت پلیس است (اکبری و عربیان، ۱۳۹۶). همچنین سید محمد هاشمی، در مقاله‌ای، مسئولیت مدنی پلیس راهور ناشی از ارتکاب فعل زیان‌بار و ترک فعل را مورد بررسی قرار داده است. نتایج مقاله حاکیست کارشناسان تصادفات باید قصور ناشی از انجام فعل یا ترک فعل پلیس یا مأمور پلیس را در بروز تصادفات، مشخص کنند و موظفانند در علت‌نامه تصادف، میزان مسئولیت آنها را تعیین و به مراجع قضایی منعکس کنند (هاشمی، ۱۳۹۶). اما مسئولیت ناشی از عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات چندان مورد توجه قرار نگرفته است. سؤال مهمی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که

آنها و همچنین سازمان‌ها و نهادهای مربوطه است. در این زمینه، تقصیر مبنای تعیین عامل زیان در مسئولیت مدنی بوده و لازم است ارکان سه‌گانه، وجود ضرر، فعل زیانبار از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی و رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار نیروهای امنیتی و انتظامی محرز شود.

۵. بحث

۵-۱. اعتراضات

انتقاد و اعتراض از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان به‌شمار می‌رود که در نظام‌های مردم‌سالار، هرچند با تفاوت‌هایی، به رسمیت شناخته شده است (دورژه، ۱۳۷۸، ۲۲۵). حکومت باید، پاسخگوی حقوق شهروندی باشد (پیران، ۱۳۷۷، ۱۸). اگر دولتی پاسخگو باشد به این معنی است که در آن جامعه شهروندان از حق انتقاد و نظارت برخوردارند. حمایت از انتقاد، حمایت از بیان‌هایی است که نه توهین هستند، نه افترا، نه نشر اکاذیب، نه تبلیغ علیه نظام و نه جرم سیاسی (انصاری، ۱۳۹۳، ۴۶-۹).

انتقاد و اعتراض در نظام اسلامی نیز پذیرفته شده است (ایازی، ۱۳۷۹، ۲۰۰). وجود باب خاصی تحت عنوان «تصحیح ائمه مسلمین» حکایت از اهمیت مباحث عمومی درباره موضوعات و امور عمومی جامعه دارد. حضرت علی (ع) به اصرار مردم، خلافت را می‌پذیرد، صراحتاً مردم را برای نظارت بر عملکرد خود دعوت می‌کند و به عبارتی دیگر به آنها حق نظارت می‌دهد و حق نظارتشان را به رسمیت می‌شناسد. «به مسجد آمد و به منبر رفت

در چه مواردی نیروهای امنیتی و انتظامی در مقابل خسارات وارده به جان و اموال و اشخاص حاضر در اعتراضات مسئولیت کیفری و مدنی دارند و موارد رافع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم اعتراضات و نیروهای امنیتی و انتظامی بررسی شده، سپس به بررسی مسئولیت کیفری و در ادامه مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات پرداخته شده و در ادامه از عوامل رافع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات، دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند. مطابق قوانین موجود، چنانچه نیروهای امنیتی و انتظامی خارج از شرایط تعیین‌شده، علیه متعرضان اقدام نمایند و در مواردی چون تیراندازی موجب آسیب بدنی یا قتل آنها شوند، دارای مسئولیت کیفری هستند. علاوه بر این، هرگونه خسارت واردشده به متعرضان از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی خارج از موازین و وظایف تعریف شده، موجب مسئولیت و ضمان

و مردم بر او فراهم آمدند، گفت خلافت شما را خوش نداشتیم اما اصرار کردید که خلیفه شما باشیم بدانید که بدون نظارت کلیدهای اموال شما با من است اما بدون نظارت شما یک درهم از آن نمی‌گیرم، رضایت می‌دهید؟» (بخشایش اردستانی و دشتی، ۱۳۹۲، ۱۶۸-۱۴۳). حقوق شهروندان تنها در انتخاب حکومت و حاکم و تشکیل حکومت دینی منحصر نیست. مردم صاحب امانت و حق شمرده می‌شوند؛ از حق نظارت و انتقاد برخوردارند و می‌توانند در صورت تخلف حکمرانان از موازین تعیین‌شده و سودمند نیفتادن نظارت و انتقاد، در مسیر برکناری حاکم گام بردارند. در حقوق موضوعه ایران از انتقاد حمایت شده است. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به حق مردم برای نظارت بر دستگاه‌های اجرایی مدنظر قرار گرفت و در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جمهوری اسلامی ایران این امر به رسمیت شناخته شده است (تاج‌آبادی و صالحی، ۱۳۹۰، ۱۱۶-۹۰). در مقدمه قانون اساسی ایران بر این موضوع تحت عنوان «نظارت مستمر امت مسلمان بر کار مسئولان کاردان و مؤمن» تأکید شده و به موجب اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار برد. مردم علاوه بر این شیوه‌های ملموس‌تر و عینی‌تر نظارت همگانی در یک جامعه مدنی و مدرن از جمله آزادی نشریات و مطبوعات، در بیان مطالب به موجب اصل ۲۴ آزادی احزاب،

جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی به موجب اصل ۲۶ آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها به موجب اصل ۲۷ در قانون اساسی ایران مقرر و نحوه اجرای آن در قوانین مدون تشریح گردیده است. در اصل ۲۷ آمده است: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. همانطور که در اصل ۲۷ به صراحت بیان می‌شود خودداری از حمل سلاح و مخل مبانی اسلام نبودن شرط تشکیل تجمعات تعیین شده است. مبهم بودن مفهوم مبانی اسلام و اختلافات در تعیین مصادیق آن و همچنین وجود برخی عناوین اتهامی همانند تبلیغ علیه اسلام و نظام نیز منجر به محدودیت‌هایی در برگزاری اعتراضات شده است. مطابق ماده ۱۰ قانون احزاب نیز تنها این تشکلهای سیاسی می‌توانند برای برپایی تجمع اعتراضی از وزارت کشور درخواست مجوز نمایند. بر این اساس، اخذ مجوز از وزارت کشور برای برگزاری اعتراضات الزامی شده و تجمعی که این مجوز را نداشته باشد غیرقانونی تلقی می‌شود. مطابق بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، هرگونه تجمع، تحصن، راهپیمایی و غیره که طبق قوانین و مقررات آیین مذکور انجام شود، مراسم قانونی، است. در سال‌های ابتدایی انقلاب تجمعات بدون اخذ مجوز از وزارت کشور برگزار می‌شد و محدودیتی در این زمینه برای تجمعات وجود نداشت. براساس آنچه گفته اعتراضات دو دسته است؛ اعتراضاتی که بدون مجوز برگزار می‌شود و اعتراضاتی که مجوز برگزاری آن از سوی

وزارت کشور صادر شده. در این مقاله منظور از اعتراضات عمدتاً اعتراضات نوع اول است، هرچند در ماهیت مسئولیت پلیس تأثیری ندارد.

۵-۲. نیروهای امنیتی و نظامی

نیروهای امنیتی و انتظامی، نیروهایی هستند که وظیفه حفاظت از نظم و امنیت عمومی و نظام سیاسی حاکم را عهده‌دار هستند (عباسلو و ورورایی، ۱۳۹۱، ۲۳). در ایران نیروهای امنیتی و انتظامی، طیفی از نیروهای مختلف را شامل می‌شود. نیروی انتظامی، شاخه‌ای از نیروهای مسلح ایران است، که کارهای پلیس را در ایران بر عهده دارد. نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۰ از ادغام شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی تشکیل شد و هم‌اکنون مسئولیت حفظ امنیت درون ایران را بر عهده دارد و کارکرد آن توسط وزارت کشور نظارت می‌شود (ناعم، ۱۳۹۳، ۱۵-۱۴). مطابق ماده ۳ قانون نیروی انتظامی، هدف از تشکیل این نیرو: «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است». یگان ویژه ناجا با نام رسمی یگان‌های ویژه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از یگان‌های عملیاتی پلیس جمهوری اسلامی ایران است. یگان مذکور از مهم‌ترین نیروهای فعال در زمان اعتراضات است. اما نیروهای امنیتی و انتظامی محدود به نیروی انتظامی نیست. وزارت اطلاعات از وزارتخانه‌های دولت جمهوری اسلامی

ایران است، که مسئولیت گردآوری و پردازش اطلاعات امنیتی را برعهده دارد. همچنین سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا سازمان امنیت اطلاعات سازمان متمرکز اطلاعاتی و مستقل از ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران و مستقیماً زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، که مسئولیت جمع‌آوری، پردازش و حفظ اطلاعات نظامی و تخصصی سایر واحدهای سپاه و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی سپاه پاسداران و حکومت جمهوری اسلامی ایران، همچنین مقابله با توطئه‌های آنان را بر عهده دارد.

۵-۳. مسئولیت کیفری ناشی از عملکرد

نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات

۵-۳-۱. مسئولیت کیفری شخص حقیقی

نیروی امنیتی و انتظامی

نیروهای امنیتی و انتظامی در راستای اجرای وظایف خود دارای اختیارات متعددی هستند اما دارای مسئولیت کیفری نیز می‌باشند. قدرت مادی نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات ابزارهای متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها، به‌کارگیری سلاح برای حفظ نظم و امنیت در جامعه است و همین امر عمدتاً ممکن است مسئولیت کیفری برای نیروهای امنیتی و انتظامی به دنبال داشته باشد. جامع‌ترین قانونی که در زمینه به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای پلیسی وجود دارد «قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» مصوب ۱۳۷۳ است. در ماده ۱۶

قانون به کارگیری سلاح مقرر شده است: «هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به کارگیری سلاح نماید حسب مورد وفق قوانین تحت پیگرد قرار گرفته و به مجازات عمل ارتكابی محکوم می‌گردد.» بر این اساس هرگونه اقدام و به کارگیری سلاح از سوی مأموران امنیتی و انتظامی برخلاف قانون، موجب مسئولیت کیفری مطابق قوانین عمومی است (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ۳۲۳).

یکی از مباحث مهم در خصوص مسئولیت کیفری نیروهای امنیتی و انتظامی، موارد خاص به کارگیری سلاح است. در واقع چنانچه نیروهای امنیتی و انتظامی در شرایطی غیر از آنچه که قانون به کارگیری سلاح تعیین کرده است اقدام به تیراندازی نمایند، دارای مسئولیت کیفری هستند. این شرایط مطابق ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح عبارتند از: «الف) برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنها حمله نماید. ب) برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مداخله شخصی امکان نداشته باشد. ج) در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است. د) برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد. ه) برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال و گروگان‌گیری و اشغال و برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و

انتظامی و امنیتی». در تبصره ۲ ماده مذکور تأکید شده است که نیروهای مسلح فقط در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر چنانچه مأموریت داشته باشند مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند.

نکته مهم در استفاده نیروهای امنیتی و انتظامی در استفاده از سلاح در اعتراضات، هشدار به معترضان است. مطابق تبصره ۱ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح: «در صورت اقتضای شرایط اخطار قبلی الزامی است». قاعده تحذیر قاعده‌ای است که فقها (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۱۸۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۰۲۲). با عنوان «کسی که هشدار دهد از ضمان معذور است» در خصوص معافیت شخص هشداردهنده از مسئولیت مدنی مطرح نموده‌اند. اما از آنجا که این بحث با موضوع تیراندازی و بحث دیه پیوند می‌خورد، بررسی آن در باب مسئولیت کیفری پلیس خالی از فایده نخواهد بود.

طبیعت و ماهیت ویژه مأموریت‌های پلیسی، بررسی این قاعده را لازم و ضروری می‌سازد. در بسیاری از اقدامات و عملیات پلیسی، به نحوی که معمول است، پلیس برای انجام وظیفه خود و به منظور جلوگیری از بروز هرگونه خسارت مالی و جانی، به هشدار متوسل می‌شود و از شخصی که در مقابل اوست، می‌خواهد تا به صورت مسالمت‌آمیز اقدام نماید، از اقدامات خلاف نظم و قانون بپرهیزد و تسلیم شود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ۲۵۳). فقها با ذکر مثال‌هایی در این خصوص متذکر شده‌اند که اگر شخصی، در اینجا نیروهای امنیتی و انتظامی قبل از تیراندازی به سوی هدفی، هشدار دهد ولی

شخصی بدون توجه به هشدار وی از آنجا عبور کند، و مورد اصابت تیرانداز قرار گیرد، تیرانداز ضامن نیست و البته برای رفع مسئولیت در چنین مواردی شرایطی را تعیین کرده‌اند که از این قرار است: ۱- هشدار مؤثر ۲- وصول هشدار به خسارت‌دیده ۳- امکان فرار برای خسارت‌دیده (محقق داماد، ۱۳۷۱، ۱۰) بنابراین هرگاه در قضیه‌ای یکی از شرایط فوق صادق نباشد و به عبارتی یکی از شرایط فوق موجود نباشد، مسئولیت شخص هشداردهنده می‌تواند مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد. نظام حقوقی ایران، در قوانین مختلف بحث تحذیر (هشدار) را مطرح و به‌طور ضمنی از آن به‌عنوان رافع مسئولیت یاد کرده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۴۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد، مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود.»

هرچند در این ماده عنصر هشدار به‌عنوان رافع مسئولیت مطرح نگردیده است لیکن اعلام‌خطر و هشدار به نحو متعارف به‌عنوان تنها عامل رافع بیان شده است. به نظر می‌رسد حذف عنصر هشدار که در قانون سال ۱۳۵۲ وجود داشت، نه‌تنها هیچ توجیه حقوقی ندارد بلکه با مبانی فقهی ما نیز منافات دارد. در بیان عنصر هشدار کافی است به این نکته اشاره شود که قانون‌گذار در وضع قانون دچار اشتباه شده است. به نظر برخی از حقوقدانان (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ۲۵۶). این مسامحه قانون‌گذار را با توسل به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و رجوع به منابع فقهی می‌توان مرتفع ساخت و جهت

رفع مسئولیت هشداردهنده تحقق عناصر سه‌گانه لازم است. قانون به‌کارگیری سلاح نیز در پاره‌ای از مواد خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به‌قاعده مذکور اشاره نموده‌اند: تبصره ۳ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح مقرر می‌دارد: «مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که چاره‌ای جز به‌کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: ۱- تیراندازی هوایی ۲- تیراندازی کمر به پایین ۳- تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.»

قانون به‌کارگیری سلاح در ماده ۶ خود در رابطه با به‌کارگیری سلاح در مورد وسایل نقلیه مقررات خاصی را پیش‌بینی و وضع نموده است. این ماده در تبصره ۱ بیان می‌دارد: «مأمورین مذکور موظف‌اند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی، وسایل هشداردهنده به‌اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند. همچنین در تبصره ۲ همان ماده آمده است: «مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجه ننموده باشد.»

ماده ۱۲ قانون به‌کارگیری سلاح درخصوص معافیت مأمورین از خسارت مدنی و جزایی چنین آورده است: «مأمورینی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به به‌کارگیری سلاح نمایند، از این جهت هیچ‌گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت.» به نظر می‌رسد، تمامی شرایط مزبور که مأمورین نیروی انتظامی در صورت رعایت آن‌ها

معاف از مسئولیت خواهند بود، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت و این امر (تیراندازی طبق مقررات) ممکن نخواهد بود، جز اینکه مأمورین مذکور در این زمینه آموزش‌های لازم را دیده باشند.

همچنین به موجب ماده ۴ قانون به کارگیری سلاح مأمورین امنیتی و انتظامی در مواجهه با شورش و بلوا، در صورت وجود شرایط زیر، حق به کارگیری سلاح به دستور فرمانده را دارند: «الف) قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد. ب) قبل از به کارگیری سلاح با اخلاص گران و شورشیان نسبت به به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد». به نظر می‌رسد منظور از «اتمام حجت» همان نوعی هشدار نسبت به معترضان در به کارگیری سلاح است که در صورت تداوم شورش و اخلاص، مأمورین انتظامی به سلاح خود متوسل خواهند شد.

علاوه بر این از ماده ۴ قابل استنباط است که اولین شرط استفاده از سلاح در اعتراضات و ناآرامی‌ها، دستور فرمانده عملیات است (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۸۱). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه کسی وظیفه تشخیص ناآرامی‌ها را بر عهده دارد. براساس تبصره ۱ ماده ۴ قانون مورد اشاره، رئیس شورای تأمین استان یا شهرستان وظیفه تشخیص ناآرامی‌ها را بر عهده دارد.

البته قانون به کارگیری سلاح، استفاده از سلاح در مواردی که معترضین بدون سلاح بوده و به پلیس حمله‌ور می‌شوند را تعیین کرده است. بند ۲ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح به این موضوع پرداخته

و چنین بیان می‌دارد: «برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری است که بدون به کارگیری سلاح، مدافعه شخصی امکان نداشته باشد». براساس ماده مورد اشاره، معترضان باید بدون سلاح حمله کرده باشند و اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که بدون به کارگیری سلاح، مدافعه شخصی امکان‌پذیر نباشد. طرز نگارش ماده این گونه نشان می‌دهد که استفاده از سلاح در این موارد به عنوان آخرین راه‌حل پذیرفته شده است و قبل از آنکه مأموران پلیس از این اختیار قانونی خود استفاده کنند باید با استفاده از روش‌های متعارف خطر موجود را دفع نمایند و چنانچه موفق به دفع تهاجم نشوند به سلاح خود متوسل شوند (محمد نسل، ۱۳۸۹، ۳۸). سؤالی که مطرح می‌شود این است که منظور از اوضاع و احوالی که استفاده از سلاح را در برابر مهاجم غیرمسلح اجازه می‌دهد چیست؟ به نظر می‌رسد در این گونه موارد باید معیار نوعی را ملاک عمل قرارداد، به این معنی که در آن شرایط و اوضاع و احوال یک پلیس متعارف و معقول مرتکب چنین عملی می‌شد و معیار تشخیص آن عرف می‌باشد، به عبارت دیگر در سنجش معیار نوعی باید به عرف متوسل شد.

۵-۳-۲. مسئولیت کیفری شخص حقوقی

درخصوص مسئولیت کیفری شخص حقوقی پلیس نیز باید گفت که در نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری پلیس در قبال نقض حقوق شهروندی به‌طور مستقل مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته

است و به منظور بحث در این زمینه لاجرم باید قوانین مختلف در این زمینه را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. این عدم انسجام در رابطه با مسائل و موضوعات فوق‌الذکر ضرورت تدوین قوانین کارآمد و منسجم در این زمینه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». در مجازات‌های کیفری مطابق اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها، افراد دیگری که به هیچ وجه در ارتکاب جرم دخیل نبوده‌اند مجازات نخواهند شد. اما در اینجا این اصل گویا به نحوی دچار انحراف شده است، زیرا در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است مگر اینکه نماینده شخص حقوقی به نام یا در جهت منافع شخص حقوقی مرتکب جرمی شود و در نتیجه در این موارد شخص را به خاطر یک جرم مجازات می‌کنیم، اما این امر استثنایی است، چون شخص حقیقی برای منافع شخص حقوقی یا به نام وی جرمی را مرتکب شده است و در واقع فرض بر این است که اراده شخص حقوقی برای ارتکاب جرم، به دست نماینده‌اش محقق شده است. سوال مهم این است در خصوص ماده ۱۴۳ وجود یکی از این دو شرط برای مسئولیت کیفری لازم است یا وجود یکی هم کفایت می‌کند؟ در پاسخ باید گفت

که صرف وجود یکی از این دو شرط کافی است. لذا اگر نماینده قانونی شخص حقوقی، جرم را به نام شخص حقوقی ولی در جهت منفعت خود مرتکب شود و نفع آن تنها به خود وی برسد، شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت. از طرف دیگر اگر عمل ارتكابی در جهت نفع رساندن به شخص حقوقی باشد، ولی به جهتی با نام نماینده انجام شده باشد، باز شخص حقوقی از لحاظ کیفری مسئول خواهد بود. در مجموع باید گفت که نیروهای امنیتی و انتظامی چنانچه در راستای منافع نهاد مربوطه مرتکب جرم شود، مسئولیت کیفری هم متوجه شخص حقیقی و هم شخص حقوقی پلیس و نهاد امنیتی مربوطه است.

۴-۵. مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی

برای تحقق مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی، لازم است ارکان مسئولیت مدنی محقق شود. ورود خسارت، فعل زیان‌بار، رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و ضرر، ارکان مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهند (باریکلو، ۱۳۸۷، ۶۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۷۲). ورود ضرر اولین شرط تحقق مسئولیت مدنی است و اساساً با وجود ضرر است که مسئولیت مدنی محقق می‌شود و در شرایطی که ضرری حادث نشده است، مسئولیت مدنی موضوعیت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۶۲-۲۵۳). ضرر به طور کلی بر چند نوع تقسیم می‌شود؛ ضرر مادی و ضرر معنوی و جمعی. ضرر مادی یعنی صدمات جسمانی به شخص یا خسارات به اموال.

رکن دیگر در تحقق مسئولیت مدنی، وجود فعل و رفتار زیانبار است. به عبارتی شرط دیگر تحقق مسئولیت مدنی این است که اقدام و عمل زیانباری، صورت گیرد این فعل زیانبار چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم سبب ایجاد خسارت و تحمیل زیان بر کسی شود (ره پیک، ۱۳۸۹، ۲۲-۲۱). منظور از فعل زیانبار، اقدام و فعلی است که باعث ضرر و خسارت گردد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹، ۱۳). در بحث حاضر، برای اینکه مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی محقق شود، لازم است، اقدامات آنها باعث ایجاد خسارت به معترضان گردد؛ بدین معنی که در نتیجه اقدامات نیروهای امنیتی و انتظامی به معترضان خسارت وارد شود و خسارت وارد شده در نتیجه اقدام آنها باشد.

از دیگر ارکان تحقق مسئولیت مدنی، رابطه سببیت است. منظور از رابطه سببیت این است که میان فعل زیانبار و ضرر ایجاد شده بتوان رابطه قرار کرد: یعنی بتوان گفت که خسارت ایجاد شده در نتیجه یک عمل و فعل مشخص صورت گرفته است. در خصوص رابطه سببیت دیدگاه و نظریات مختلفی مطرح شده است؛ یکی از نظریات مطرح شده، نظریه برابری اسباب است (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷، ۱۶۷). براساس این نظریه، همه عواملی که در ایجاد خسارت تأثیرگذار بوده‌اند، به یک اندازه در جبران خسارت مسئولیت دارند. سبب نزدیک، نظریه دیگر در این زمینه است (ره پیک، ۱۳۸۹، ۲۶-۲۲) که مطابق آن، اسبابی که با خسارت رابطه نزدیکی دارند، دخیل در خسارت محسوب می‌شوند. می‌توان به نظریه سبب متناسب نیز اشاره

کرد. مطابق نظریه مذکور، صرفاً عواملی که بر مبنای روند انجام امور می‌تواند سبب ایجاد خسارت شوند باید به عنوان اسباب خسارت لحاظ شوند.

بی‌شک، رابطه سببیت مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی در ایران است. مطابق مواد ۵۲۶ تا ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برحسب مورد، مسئولیت هر عمل به میزان تأثیر و نقشی که در وارد آمدن ضرر داشته است، همچنین تساوی و یا عامل مقدم پذیرفته شده است که در خصوص نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با معترضان نیز مصداق دارد.

تقصیر در رابطه سببیت، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد. نیروهای امنیتی و انتظامی به عنوان عضوی از کارکنان دولت محسوب شده و مسئولیت فردی آنها، مطابق نظام حقوقی کشور، مسئولیت فردی مبتنی بر عنصر تقصیر قلمداد می‌شود. بدین معنی که در مقررات مسئولیت مدنی در ایران در خصوص کارکنان دولت، نظریه تقصیر حاکم است. براساس نظریه مذکور، چنانچه نیروهای امنیتی و انتظامی در نتیجه تقصیر از جانب خود آنها باعث وارد آمدن خسارت به معترضان گردند، شخصاً در قبال آنها مسئولیت مدنی دارند. مطابق ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی و همچنین ماده ۱۲ قانون به کارگیری سلاح ۱۳۷۳، در صورت حادث شدن خسارت در نتیجه تیراندازی نیروهای امنیتی و نظامی، با اثبات عنصر تقصیر از سوی آنها، شخصاً در قبال معترضان مسئولیت داشته و در غیر این

صورت، نهادهای و سازمان‌های مربوطه آنها مسئول هستند.

۵-۵. جبران خسارت

جبران خسارت مالی و اقتصادی اولین روش جبران است. بسیاری از اقدامات نیروهای امنیتی و انتظامی ممکن است به ایجاد خسارت مالی بی‌انجام و او ملزم به جبران خسارت شود. تردیدی نیست که نیروهای امنیتی و انتظامی در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های محوله در اعتراضات، ممکن است به اموال و حقوق مالی شهروندان یا نهادهای امنیتی و انتظامی خسارت مالی وارد سازند که در این صورت موضوع مسئولیت آن‌ها باید مورد ارزیابی قرار گیرد. اتلاف اموال شهروندان و سازمان پلیس برای مأمور پلیس مسئولیت مدنی به همراه دارد و او مکلف به جبران خسارت مالی وارده می‌باشد.

بررسی‌ها نیز بر این امر دلالت دارد که بیشترین آمار در رابطه با جبران خسارت در نیروهای امنیتی و انتظامی بر همین روش مبتنی است. به‌گونه‌ای که مطابق آمار اعلام‌شده، در سال ۱۳۸۷ حدود چهار میلیارد تومان و در سال ۱۳۸۸، حدود بیست میلیارد تومان به‌عنوان خسارت نقدی پرداخت شده است (شعاریان، ۱۳۸۸، ۳۱۱).

همچنین پرداخت دیه از روش‌های مهم جبران خسارت در مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی است (گرچی، ۱۳۸۰، ۲۰). مطابق مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورت فقدان عاقله، دیه مقتول بی‌گناه از بیت‌المال

پرداخت می‌شود. حکم مذکور صرفاً شامل دیه بوده و خسارت مالی را شامل نمی‌شود. همچنین مطابق ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح و ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، پرداخت دیه از سوی بیت‌المال شامل خسارت بدنی نمی‌شود. علاوه بر این، می‌توان به «اعاده به وضع سابق» هم به‌عنوان روش دیگر جبران خسارت اشاره کرد. شاید بتوان ادعا کرد اعاده به وضع سابق بیشتر به اموال منقول و غیرمنقول ارتباط دارد و در موارد بسیاری به‌ویژه در آسیب جسمانی، اعاده به وضع سابق مصداق ندارد (ملک‌زاده، ۱۳۸۹، ۱۲۶؛ شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ۳۰۱-۳۰۰). به‌عنوان مثال در آسیب‌های جسمانی و بدنی در نتیجه تیراندازی نیروهای امنیتی و انتظامی به معترضان، نمی‌توان اعاده به وضع سابق را مطرح کرد زیرا زنده کردن مقتول یا بهبودی کامل کسی که عضوی از بدن وی قطع شده امکان‌پذیر نیست.

۵-۶. معافیت نیروهای امنیتی و انتظامی

نیروهای امنیتی و انتظامی در اقدامات و مأموریت‌های قانونی خود در مقابله با اعتراضات ممکن است خساراتی را وارد آورد در این صورت بر طبق قاعده عمومی اسباب معافیت وی از مسئولیت مدنی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

قانون از عوامل رافع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی است. در هر مورد که شخص به‌حکم قانون خسارتی به دیگری وارد آورد مسئولیتی برای جبران آن نخواهد داشت. بنابراین هرگاه پلیس چنین افعال زیان‌باری مرتکب شود موضوع معافیت

وی از مسئولیت مدنی مطرح می‌گردد (شعاریان، ۱۳۸۸، ۲۲۲). مثلاً هرگاه نیروهای امنیتی و انتظامی، متعرضی را که باعث بی‌نظمی و اغتشاش در جامعه شده و جرم مشهود مرتکب گردیده است، دستگیر نماید و چندین ساعت وی را تحت‌نظر نگاه دارد. در فرض ورود خسارت، مسئولیتی نخواهد داشت. مطابق مواد ۳ و ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ نیروهای امنیتی و انتظامی مکلف به حفظ نظم و امنیت در جامعه بوده و اساساً مهم‌ترین وظیفه وی همین است. بنابراین هرگاه نیروهای امنیتی و انتظامی چنین افعال زیان‌باری مرتکب شود موضوع معافیت وی از مسئولیت مدنی مطرح می‌گردد، به‌عنوان قاعده کلی می‌توان گفت که در فرض آنکه پلیس افعال زیان‌بار را به حکم قانون در اجرای قوانین جاری انجام داده باشد مسئولیتی در مقابل زیان‌دیده نخواهد داشت از لوازم و توابع مأموریت محوله به نیروهای امنیتی و انتظامی این است که وی بتواند تا آنجا که نیاز به اقدام عملی دارد، مأموریت خود را به انجام برساند ولو آنکه چنین مأموریت‌هایی سبب ورود خسارت گردد چه در غیر این صورت نمی‌توان از نیروهای امنیتی و انتظامی انتظار داشت که وظایف خود را به‌درستی انجام دهد. در تأیید این مطلب می‌توان به برخی از مقررات خاص در این زمینه اشاره نمود. تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات نیروهای مسلح بیان داشته است که: «چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح

مقصر نبوده و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. به‌موجب ماده ۱۲ قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ نیز: «مأمورینی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به به‌کارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ‌گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت». همچنین ماده ۱۳ قانون یادشده مقرر نموده است که: «در صورتی که مأمورین با رعایت مقررات این قانون، سلاح به‌کارگیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوطه خواهد بود و دولت مکلف است همه‌ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد». پس به‌عنوان قاعده کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرگاه پلیس در اجرای قوانین عملی مرتکب شود که سبب ورود خسارت گردد مسئولیتی برای جبران خسارت نخواهد داشت اما در اینکه جبران چنین خساراتی به عهده کیست ابهام وجود دارد زیرا در قانون نحوه به‌کارگیری سلاح مسئولیت سازمان پلیس به جبران چنین خساراتی منحصر به موردی است که استفاده از سلاح سبب ورود خسارت مالی شده باشد اما چنانچه اقدامات دیگر پلیس خسارتی وارد آورد، مسئولیت سازمان پلیس روشن نشده است. مثلاً هرگاه پلیس برای دستگیری سارقی که در حال فرار از بانک است با اتومبیل به تعقیب او بپردازد و با ورود در ملک دیگری به درختان صاحب آن خسارتی وارد آورد

مسئولیت مدنی سازمان پلیس قابل طرح و بررسی خواهد بود مسلماً در چنین فرضی و با اثبات اینکه پلیس در اجرای قانون چنین اقدام زیان‌باری را مرتکب شده است مسئولیت مدنی نخواهد داشت. در مقابل می‌توان با استفاده از ملاک ماده ۱۳ قانون نحوه به‌کارگیری سلاح، سازمان پلیس را مسئول جبران خسارات یادشده تلقی نمود هرچند که در مقابل ممکن است استدلال شود که مسئولیت ناشی از فعل غیر به‌عنوان یک امر استثنایی در نظر گرفته می‌شود و قابل و تسری به موارد مشابه نیست (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ۲۲۲). از این‌رو نقص قانون‌گذاری در این فرض روشن می‌شود و بجاست که قانون‌گذار به‌عنوان یک قاعده کلی مقرر نماید که در صورت رعایت قوانین از ناحیه نیروهای امنیتی و انتظامی، جبران خسارات وارده به شهروندان به عهده سازمان مربوطه خواهد بود و از تخصیص این حکم به موارد استفاده از سلاح خودداری نماید.

در بسیاری از موارد نیروهای امنیتی و انتظامی از دستورات مراجع و اشخاص دیگر تبعیت می‌کند و مطابق قانون نیز در سلسله‌مراتب اداری و نظامی ملزم به اطاعت از دستورات مافوق خود می‌باشد حتی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۱ مجازات‌هایی برای نیروهای امنیتی و انتظامی پیش‌بینی شده است که در صورت عدم رعایت و اجرای دستورات مقام مافوق به آن مجازات محکوم می‌گردد.

آمر باید دستوراتش برحسب ضوابط و مقررات قانونی صادرشده و خلاف شرع هم نباشد، در

صورت صدور چنین دستوری باید دید که آیا به‌موجب مقررات، وقوع جرم مسئولیت‌آور است یا خیر؟ طبق مواد ۱۵۸ و ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، اعمالی که به‌موجب قانون جرم است، اگر به امر قانونی باشد، جرم تلقی نمی‌شود و مجازاتی برایش متصور نیست. اما اگر دستور غیرقانونی آمر رسمی، جرم واقع شود، آمر و مباشر هر دو مجرم‌اند و چنانچه مأمور به تصور اینکه امری قانونی است، آن را اجرا نماید، مباشر معاف از مجازات بوده ولی آمر مجرم است (بازگیر، ۱۳۷۶، ۵۶).

دفاع مشروع از دیگر عوامل رافع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی است. هنگامی که شخص به‌منظور جلوگیری از ضرر اقدامی زیان‌بار انجام می‌دهد به دفاع مشروع دست‌زده است و در چنین حالتی مسئولیت مدنی نخواهد داشت. عده‌ای از نویسندگان معتقدند که دفاع مشروع، چهره‌ای از اضطراب است که یک فرد با هدف مقابله با خطری که فوری با آن روبه‌روست، به ناچار دست به اقدام و فعل زیان‌بار می‌زند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۳۱۱۲). قواعد عمومی دفاع مشروع درخصوص مسئولیت مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی رعایت می‌شود و دو شرط فعلیت تجاوز و تناسب دفاع مشروعی که نیروهای امنیتی و انتظامی انجام می‌دهد، لازمه معافیت از مسئولیت مدنی است (شعاریان، ۱۳۸۸، ۹۹). درخصوص دفاع مشروع نیروهای امنیتی و انتظامی نکات ذیل قابل ذکر است: (۱) با توجه به اینکه نیروهای امنیتی و انتظامی مجهز به تجهیزات و سلاح می‌باشد، غالباً دفاع مشروع نامبرده در

مقابل زیان دیده قابل قبول نمی‌باشد. مگر اینکه طرف مقابل نیز مسلح باشد یا تهاجم به گونه‌ای باشد که امکان به کارگیری به موقع سلاح از نیروهای امنیتی و انتظامی سلب شود. (۲) پیشگیری نیروهای امنیتی و انتظامی از حمله احتمالی را نمی‌توان به عنوان دفاع مشروع تلقی نمود. (۳) بعد از اینکه به وسیله مهاجم حمله صورت گرفت حمله متقابل نیروهای امنیتی و انتظامی را نمی‌توان دفاع مشروع قلمداد نمود. (۴) در مواردی که نیروهای امنیتی و انتظامی امکان کمک گرفتن از نیروی کمکی را نداشته باشد، بنابراین اگر چنین امکانی برای نیروهای امنیتی و انتظامی باشد ولی نامبرده از آن امتناع نماید و اقدامی را علیه مهاجم بنماید، نمی‌توان این اقدام را دفاع مشروع دانست (عباسلو و وروایی، ۱۳۹۱، ۱۰۳).

درخصوص رافع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی می‌توان به اضطرار نیز اشاره کرد. در قانون مدنی و سایر قوانین موضوعه درخصوص اضطرار و اثر آن در مسئولیت مدنی حکمی بیان نشده است. در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که: «هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد». در ادامه این حکم و در تبصره ماده مذکور آمده است که دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است. حقوقدانان در این خصوص نظریات مختلفی ابراز

نموده‌اند و برخی (امامی، ۱۳۵۲-۱۳۵۱، ۵۴)، بر این باورند که اضطرار از اسباب رفع مسئولیت نیست. در مقابل برخی دیگر (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۳۲۳)، اعتقاد دارند وقتی فردی از سر اضطرار موجب وارد آمدن خسارت به دیگری شود، بر چه مبنایی باید مسئول تلقی گردد؟ و مسئولیت مدنی داشته باشد؟ آنچه به نظر می‌رسد اینکه صراحت تبصره ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی تردیدی در این خصوص باقی نمی‌گذارد که شخص مضطر از مسئولیت مدنی معاف نمی‌باشد و نظر مشهور نیز چنین است که با این وصف می‌تواند آن را به عنوان قاعده کلی پذیرفت. آنچه در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا نیروهای امنیتی و انتظامی که در نتیجه اضطرار ممکن است سبب خسارت به دیگران یا معترضان شوند را می‌توان مقصر و مسئول دانست؟ در شرایطی که بحث انتفای شخصی در میان است. مثلاً وضعیتی که یک راننده برای نجات خود و مسافران، سبب خسارت به دیگری می‌شود شاید بتوان اضطرار را عامل رفع مسئولیت ندانست (شعاریان، ۱۳۸۸، ۲۶۷) اما درخصوص عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی، از آنجا که بحث منافع شخصی این افراد در میان نیست بر این مبنا شایسته است در نتیجه‌گیری کلی نقش اضطرار در خسارات وارده توسط پلیس، به این مهم نیز توجه کافی مبذول گردد.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد، نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با اعتراضات دارای مسئولیت کیفری و مدنی

هستند. نیروهای انتظامی و امنیتی چنانچه برخلاف قوانین موجود، موجب قتل معترضان شوند، در قبال جنایت صورت گرفته مسئولیت کیفری دارد. مسئولیت کیفری در چنین مواردی کاملاً شخصی بوده و برعهده شخص نیروی امنیتی و انتظامی است. قانونگذار در قانون به کارگیری سلاح استفاده از سلاح را در شرایطی برای نیروهای امنیتی و انتظامی مجاز دانسته است. چنانچه نیروهای انتظامی و امنیتی خارج از ضوابط تعیین شده مرتکب جرم علیه معترضان گردد از لحاظ کیفری مسئولیت داشته و به لحاظ حقوقی مستوجب مجازات می گردد. چنانچه جرم نیروهای امنیتی و انتظامی علیه معترضان در راستای منافع نهادهای مربوطه مانند پلیس باشد، مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی علاوه بر مسئولیت شخص حقیقی، برای شخص حقوقی یعنی نهاد پلیس نیز مسئولیت کیفری به دنبال دارد.

نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با معترضان مسئولیت مدنی نیز دارد. نهادهای و نیروهای نظامی و امنیتی به عنوان بخشی از دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی شده و قواعد ناظر بر مسئولیت مدنی دولت بر مسئولیت مدنی آنها نیز مصداق دارد. برای مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت مدنی افراد نباید به دنبال مبنای واحدی بود در صورتی که خسارت ناشی از عمل نیروهای نظامی و امنیتی باشد. در به رسمیت شناختن مسئولیت دولت، نیازی به اثبات تقصیر نیست و چنین امری برخلاف اخلاق و انصاف نیست. جبران ضرر توسط دولت تنگدستی شخص معینی را سبب نمی شود و

خسارت در میان تمامی شهروندان توزیع می شود. به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی ضرر مادی و معنوی ناشی از اشتباه قاضی توسط دولت جبران می شود و ادعا می شود که اگر چنین نباشد هیچ کسی به این کار پرخطر دست نمی زند و درست به همین جهت است که بایستی مسئولیت مطلق دولت در ارتباط با خسارت ناشی از اعمال پلیس نیز به رسمیت شناخته شود و در صورتی که اقدام زیان بار نیروهای نظامی و امنیتی به صورت غیرعمدی واقع شده باشد، نهادهای امنیتی و انتظامی مسئول تلقی شود و چنانچه فعل زیان بار عمدی باشد نهادهای و اشخاص امنیتی و انتظامی به صورت تضامن مسئول جبران خسارت قرار گیرند اما از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی چنین فرض می شود که دولت در مقام اعمال حاکمیت مجبور به جبران خسارت نخواهد بود. درخصوص مسئولیت کیفری نیز مأموران امنیتی و انتظامی چنانچه خارج از قوانین موجود که عمدتاً در قانون به کارگیری سلاح تعیین شده است دست به تیراندازی به سمت معترضان بزنند، مطابق قواعد کیفری حاکم دارای مسئولیت کیفری هستند. البته رفع مسئولیت نیروهای امنیتی و انتظامی در برخی موارد ممکن است. وجود قانون و یا آمر قانونی از جمله این عوامل است. در بسیاری از موارد نیروهای امنیتی و انتظامی از دستورات مراجع و اشخاص دیگر تبعیت می کند و مطابق قانون نیز در سلسله مراتب اداری و نظامی ملزم به اطاعت از دستورات مافوق خود می باشد. همچنین هنگامی که نیروهای امنیتی و انتظامی به منظور جلوگیری از

ضرر اقدامی زیان بار انجام می دهند به دفاع مشروع دست زده اند و در چنین حالتی مسئولیت مدنی نخواهد داشت. اگرچه با توجه به اینکه نیروهای امنیتی و انتظامی مجهز به تجهیزات و سلاح می باشد، غالباً دفاع مشروع نامبرده در مقابل زیان دیده قابل قبول نمی باشد. مگر اینکه طرف مقابل نیز مسلح باشد یا تهاجم به گونه ای باشد که امکان به کارگیری به موقع سلاح از پلیس سلب شود. از طرفی دیگر؛ هرگاه تقصیر زیان دیده در وقوع خسارت وارد بر او دخالت داشته باشد، این امر موجب می شود که او از جبران آن بخش از خسارت، که منتسب به تقصیر (یا اقدام او بوده است، محروم شود؛ مشروط بر اینکه بتوان خسارت ایجاد شده را به هر دو قابل انتساب دانست.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- حکمت‌نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- دورژه، موریس، بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ سوم، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.
- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- شعاریان، ابراهیم، مسئولیت مدنی پلیس، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۸.
- شعاریان، ابراهیم، جباری، منصور، مسئولیت مدنی پلیس، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۸.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد هفتم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- عباسلو، بختیار، «مسئولیت مدنی پلیس»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره دو، ۱۳۸۶.
- عباسلو، بختیار، ورورایی، اکبر، «مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری»، نشریه دانش انتظامی، شماره چهل و هفت، ۱۳۹۱.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستری، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، چاپ پنجم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- اکبری، پرویز، عربیان، اصغر، «اثر هشدار در رفع مسئولیت پلیس (با تأکید بر مقررات قانونی به‌کارگیری سلاح)»، مجله پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره هفتاد و هفت، ۱۳۹۶.
- امامی، سید حسن، مسئولیت مدنی، پلی‌کپی درس فوق‌لیسانس، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۲-۱۳۵۱.
- انصاری، باقر، «موازن حقوقی ناظر بر انتقاد از دولت و مقامات دولتی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره چهل و سه، ۱۳۹۳.
- ایازی، سید محمدعلی، آزادی در قرآن، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۹.
- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- بازگیر، یدالله، «بررسی روابط آمر و مأمور در ارتش»، مجله دادرسی، شماره چهار، ۱۳۷۶.
- بخشایش اردستانی، احمد، دشتی، فرزانه، «مردم‌سالاری دینی در سیره سیاسی و حکومت امام علی (ع)»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره پنجاه و هشت، ۱۳۹۲.
- پیران، پرویز، «شهر شهروندمدار»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره صد و نوزده، ۱۳۷۷.
- تاج‌آبادی، حسین، صالحی، سروان مرتضی، «نقش رسیدگی به شکایات و گزارش‌های مردمی در ارتقای نظارت و کنترل بر کارکنان»، فصلنامه نظارت و بازرسی، شماره شصت و یک، ۱۳۹۰.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
- گرجی، ابوالقاسم، دیات، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، «قاعده تحذیر (نقش هشدار در رفع مسئولیت)»، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره پنج، ۱۳۷۱.
- محمد نسل، غلامرضا، موازین قانونی به کارگیری سلاح، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ۱۳۸۹.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن، «مقاله قاعده تسبیب»، نشریه دادرسی، شماره دو، ۱۳۷۷.
- ملک‌زاده، سلیمان، «مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- میر محمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت)، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- ناعم، علیرضا، طرح‌های عملیات انتظامی، چاپ سوم، تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا، ۱۳۹۳.
- هاشمی، سید محمد، «مسئولیت مدنی پلیس ناشی از ارتکاب فعل زیان‌بار و ترک فعل (با تأکید بر مسئولیت پلیس راهور)»، مجله پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره هفتاد و چهار، ۱۳۹۶.